



اشاعه هنر اسلامی و عرفانی در آثار، آراء و معماری بقعه مبارکه بانو امین در قالب هنر گرافیک و پوستره‌های گرافیکی

سکینه کریم‌پور بارکوسرایبی ^۱ ID، محمد تقی فعالی ^۲ ID، هادی وکیلی ^۳ ID

^۱ دانشجوی دکتری عرفان اسلامی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. Sa.karimpoor@gmail.com

^۲ (نویسنده مسئول) دکتری تخصصی، دانشیار گروه عرفان اسلامی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

m.faali@yahoo.com

^۳ دکتری تخصصی، دانشیار گروه عرفان اسلامی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. drhvakili@gmail.com

چکیده

از ابتدای شکل‌گیری تصوف اسلامی همگام با مردان، زنانی در اقصی نقاط مناطق اسلامی در چارچوب دین و مذهب آمیخته با حبّ الهی بالیدند و به مقامات و کرامات فراوان دست‌یافتند. سرآمد همه آنان رابعه عدویه است. به عارفان زن در سده‌های نخستین چون رابعه عدویه بیشتر توجه شده است. لذا تحقیق و پژوهش در زمینه بانوان عارفه عصر چون بانو امین به فراموشی سپرده شده است. مسئله‌ای که اینجا مطرح می‌گردد بررسی جایگاه هنر اسلامی و عرفانی در آثار و بقعه بانو امین و چگونگی بازتاب آن در هنر گرافیک است. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که عرفان اسلامی یکی از مضامین مورد توجه در هنر اسلامی است. از سوی دیگر، آرامگاه‌ها و خانقاه‌های صوفیان در نوع خود تجلی‌گاه هنر اسلامی بوده است. بازشناسی بن‌مایه‌های هنر اسلامی در اندیشه عرفانی بانو امین و بقعه وی نقش مهمی در آگاهی از ارتباط هنر اسلامی و عرفان دارد.

اهداف پژوهش:

۱. بازشناسی منابع در حوزه شناخت الگویی شخصیت‌های عرفانی زنان عارف در عصر معاصر.
۲. بررسی ارتباط هنر اسلامی و معماری بقعه بانو امین.

سوالات پژوهش:

۱. مؤلفه‌های عرفانی بانو امین در دو بُعد عرفان نظری و عملی چیست؟
۲. هنر اسلامی چه بازتابی در بقعه بانو امین داشته است؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۶

دوره ۱۹

صفحه ۴۲۶ الی ۴۴۱

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۹/۰۷/۱۹

تاریخ داوری: ۱۴۰۰/۰۱/۱۷

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۱۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۶/۰۱

کلمات کلیدی

عرفان،
معماری اسلامی،
اصفهان،
بانو امین.

ارجاع به این مقاله

کریم پور بارکوسرایبی، سکینه، فعالی، محمدتقی، وکیلی، هادی. (۱۴۰۱). اشاعه هنر اسلامی و عرفانی در آثار، آراء و معماری بقعه مبارکه بانو امین، در قالب هنر گرافیک و پوستره‌های گرافیکی. مطالعات هنر اسلامی، ۱۹(۴۶)، ۴۲۶-۴۴۱.



dor.net/dor/20.1001.1.1735708.1401.19.46.26.2



dx.doi.org/10.22034/IAS.2021.252125.1380

مقدمه

بانو امین نیز یکی از این زنان عارف است که دارای آثار و آرای است. در این پژوهش از میان زنان عابد و عارفه از سده‌های نخستین اسلامی تا عصر معاصر، اشاراتی به شرح احوال عرفانی علویة دانشور، بانویی فرزانه، نمونه دوران و مجتهده زمان و عالمه فاضله پرهیزگار از اصفهان پرداخته شده است. در شرح احوال، آثار و آرا و اندیشه‌های این بانوی عارفه عصر به‌عنوان اصلی‌ترین سؤال به توضیح کلیات پرداخته شده، سپس با شرح و بسط سؤالات جزئی‌تر همچون مؤلفه‌های عرفانی بانو امین در دو بُعد نظری و عملی، میزان تأثیرپذیری مکتب عرفانی ایشان از مکاتب خواجه عبدالله انصاری، ملاصدرا و فیض کاشانی و همچنین نگاهی عرفانی به بقعه مبارکه بانو امین داشته باشد. بانو امین از جمله نوادری است که به‌خوبی می‌تواند برای بانوان دوره معاصر الگو و اسوه باشد. با توجه به اینکه مطالعات مربوط به عرفای زن در سده‌های معاصر که رساله یا اثری از خود به‌صورت مدون داشته باشند بسیار کم‌رنگ است؛ لذا تحقیق و پژوهش در زمینه بانوان عارفه عصر چون بانو امین به فراموشی سپرده شده است لیکن نسل جدید ما چقدر به جایگاه این بانوی نمونه و اسوه اخلاق، فضیلت و عرفان آگاه است. نگارنده در جهت رسیدن به این مطلوب به دنبال ارائه شناخت کلی از شخصیت عرفانی این بانوی عارفه دوره معاصر و شرح‌حالی از مقامات عرفانی و انسجام بخشیدن به آرا و اندیشه‌های ناب این بانوی ایرانی است. فواید احتمالی و بعضاً عملی که ممکن است این پژوهش به دنبال داشته باشد این است که اولاً این تحقیق می‌تواند خلأ تحقیقاتی موجود را در ارتباط با این شخصیت بزرگ عرفان اسلامی در عصر حاضر پر کند؛ ثانیاً این پژوهش می‌تواند به‌عنوان یک منبع قابل‌استناد و قابل‌استفاده برای عرفان‌پژوهان در عرصه دانشگاه و حوزه‌های علمیه باشد؛ ثالثاً این پژوهش می‌تواند معرف بهترین الگو و نمونه برای جامعه زنان و دختران در عصر حاضر قرار گیرد؛ رابعاً به سرانجام رسیدن این پژوهش می‌تواند فتح بابی برای تحقیق در مورد سایر بانوان عارف تأثیرگذار در سده‌های دیگر باشد. به‌موازات این بررسی به آثار هنر اسلامی و عرفانی در آثار و بقعه بانو امین پرداخته می‌شود تا ظرفیت‌های مربوط به هنر اسلامی در آثار و معماری این عارف و مقبره او آشکار گردد.

کتاب بسیار اندک و مقالاتی درباره بانو امین نوشته شده است که به بررسی برخی از ابعاد شخصیت علمی و عرفانی این بانوی اصفهانی پرداخته است؛ اما خلأ معرفی همه‌جانبه این بانوی عارفه دانشمند که در عصر خود در میان زنان سالک الی الله که طی طریق نموده‌اند به‌عنوان نمونه روزگار برای طالبان حق علی‌الخصوص جامعه طلاب و دانشجویی و قشر بانوان طالب علم و معرفت، احساس می‌شود که در معرفی الگوهای این چنین کم‌کاری شده است و در این زمینه، تحقیق و بررسی تخصصی صورت نگرفته است؛ لذا در کتاب‌ها و مقالات ذیل بیشتر به جنبه‌های علمی و فقهی بانو امین پرداخته است و خلأ توجه به مباحث عمیق عرفان نظری و عملی بانو امین در آثار یاد شده احساس می‌شود. از جمله اثر اسلامیت (۱۳۸۹) به نام بانو امین و تفسیر مخزن العرفان است. مرضیه اسلامیت معتقد است آنچه در نظر بانو امین اهمیت داشته بهره‌گیری اخلاقی و تربیتی از تفسیر بوده است همچنین نوعی عقل‌گرایی در تفسیر بانو به‌وضوح آشکار است؛ به‌طوری‌که گاه دلیل عقلی را بر ظاهر آیات ترجیح می‌دهد. جمعی از محققین (۱۳۸۹) در فریده عصر: بررسی سیره علی عملی عالمه عارفه بانو مجتهده امین به بررسی زندگی وی پرداخته‌اند.

این جمع محققین اظهار دارند که فقه برای بانو اهمیتی نداشت. فقه و شریعت را ارج می‌نهاد و عمل به شریعت را مقدمه رسیدن به حقیقت می‌دانست؛ اما نکته اینجاست که در این مسیر از رسیدن به مسیر بازنمی‌ماند. خانم عمو خلیلی (۱۳۷۹) در کتاب کوکب درّی: شرح احوال بانوی مجتهد امین نیز به شرح احوال فردی و اجتماعی بانو امین می‌پردازد. باقری بید هندی (۱۳۸۲) در کتاب بانوی نمونه: جلوه‌هایی از حیات بانوی مجتهده امین اصفهانی، به شرح

احوال فردی و اجتماعی، تربیتی، اخلاقی بانو امین می‌پردازد. از مقالاتی هم که درباره بانو امین نگاشته شده به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: مجموعه مقالات و سخنرانی‌های اولین و دومین کنگره بزرگداشت بانوی مجتهدده سیره نصرت امین (۱۳۷۴) به کوشش مینا خواجه نوری است. در مجموعه مقالات و کنگره‌ها و بزرگداشت بانو امین اظهارنظر بزرگان و شاگردان به شرح احوال فردی علمی اخلاقی و تربیتی بانو پرداخته و زندگانی‌اش را تجسم اخلاق و فضائل انسانی می‌داند. آیت‌الله جوادی‌آملی بانو امین را مصداق کسانی می‌داند که در نهان و نهادش تحولی واقع شد و صاحب علمی شد که حاصل درس‌های خواندنی مدرسه نبود. علامه جعفری نیز از تعبیر «تولد جدید» در وصف زندگی بانو استفاده می‌کند. واعظزاده خراسانی هم ضمن اشاره به مضامین عرفانی آثار بانو و تلاش وی برای ساده‌نویسی و پرهیز از اصطلاحات فنی نکته دیگری را برجسته می‌کند و آن اینکه بانو، سدی را که همواره عرفا پیش پای سالکان طریقت گذاشته‌اند که هر کس باید شیخ طریقتی داشته باشد شکست و ظاهراً بیش از همه بر مطالعه و تدبیر و تهذیب نفس تأکید کرد و از قرآن و حدیث و ... راهنمایی گرفت. در عالم اسلام همواره زنان شایسته و متعهدی وجود داشته‌اند که در عرصه‌های مختلف علمی و معرفتی در جبهه‌های ایثار و تلاش منشأ آثار و خیر و برکات فراوانی بوده‌اند. در این میان، جا دارد تا نگاهی گذرا به شخصیت یکی دیگر از اسوه‌های عالیقدر جامعه اسلام و تشیع که از مراتب علمی و عملی والایی برخوردار است و به حق از مفاخر زنان دنیای اسلام است یعنی بانو امین داشته باشیم، تا بابت تازه بر روی طالبان حقیقی عرفان و معرفت گشوده گردد. در این پژوهش از میان زنان عابد و عارفه از سده‌های نخستین اسلامی تا عصر معاصر نگارنده قصد دارد اشاراتی به شرح احوال عرفانی علویه دانشور، بانویی فرزانه، نمونه دوران و مجتهدده زمان و عالمه فاضله پرهیزگار از اصفهان داشته باشد. به حق که بانو نمونه‌ای از ظهور و بروز آن کلام نورانی پیامبر (ص) که «المراه ریحانه» بودند و این‌گونه شد که شایستگی مقام اجتهاد را پیدا کردند، طوری که بسیاری از علماء و فضلا در محضر ایشان تلمذ می‌کردند؛ و بعضاً جهت استفاده معنوی به محضرشان شرفیاب می‌شدند.

۱. زندگی‌نامه بانو امین

سیده نصرت‌بیگم امین معروف به بانو امین (زاده ۱۲۶۵ - ۱۳۶۲ خورشیدی) از عالمان و عارفان زن شیعه اهل ایران بود. وی در اصفهان متولد شد. نسبش با سی واسطه به علی‌بن‌حسین می‌رسد. از چهار سالگی به فراگرفتن قرآن و از یازده سالگی به تحصیل زبان عربی پرداخت. با اینکه در پانزده سالگی ازدواج کرد، اما همراه با همسررداری و تربیت فرزندانش، به تحصیل علم اسلامی نیز ادامه داد. در بیست سالگی به تحصیل فقه و اصول، تفسیر و علم حدیث پرداخت، به‌زودی به حکمت و فلسفه و در پی آن به عرفان روی آورد. علی‌رغم تمام مشکلاتی که در آن دوران برای تحصیل زنان متدین وجود داشت، در چهل سالگی به‌دنبال سال‌ها تلاش شبانه‌روزی توانست به درجه اجتهاد برسد. بانو امین به حقایق فیض کاشانی و مقامات معنوی خواجه‌عبدالله انصاری خیلی علاقه داشتند؛ وی همواره بر طریق تحصیل علم و تهذیب و خودسازی و عرفان و مراقبت از خود بودند و با توجه به این که عارف، مجتهد و فقیه بود ولی عرفان بر سایر خصوصیاتش غلبه داشت. دائماً مکاشفاتی بر ایشان می‌شد که در نفات‌الرحمانیه این واردات قلبی که به‌واسطه فیض حق دریافت می‌دارد، نقل شده‌است. مکرر می‌فرمود: انسان باید مراقب حال خود باشد؛ در هر روز اول، با خود «معاهده» کنید بعد در طی روز «مراقبه» داشته باشید؛ و در انتهای امر خودتان را «محاسبه» کنید اگر کار خلافی از شما سر زده است «معاقبه» داشته باشید. «حال» غیر از ذات است؛ ملکات برای انسان می‌ماند. سعی کنید صفات نیک، ذات شما باشد نه حال شما ... وی همواره بر طریق تحصیل علم و معرفت و تهذیب و مراقبت از خود بود. تا اینکه بعد از آشکار شدن نور اجتهاد در چهل سالگی به انتشار اولین تألیف خود به نام اربعین هاشمیه که مشتمل

بر چهل حدیث در توحید و صفات حق تعالی، اخلاق و احکام شرع و متضمن بیانات فلسفی و عرفانی و اصولی و فقهی است، پرداخت. عظمت شخصیت عرفانی این بانوی عصر، سیده نصرت امین از آنجایی نشأت می‌گیرد که اولاً نسب پاکش بی‌واسطه به امام علی بن ابیطالب (ع) می‌رسد؛ ثانیاً یکی از رموز موفقیت این بانوی عارفه که از نشانه‌های قلب سلیم می‌باشد ولایت و اتصال او با تمسک به ثقلین است؛ به طوری که این ویژگی در احوال و آراء و اندیشه‌ها و آثار وی قابل مشاهده بوده و تمسک و توسل وی به اهل بیت علیها السلام در تفسیرهای عرفانی مخزن‌العرفان و بیان فضائل مولی‌الموالی حضرت امیرالمؤمنین (ع) در «مخزن‌الثالی» به‌وضوح قابل رؤیت است.

اساتید بانو امین عبارت‌اند از:

- ۱- آیت‌الله آقا سید ابوالقاسم دهکردی (۱۳۵۳-۱۲۷۳ق)؛
- ۲- حجت‌الاسلام و المسلمین میرزا علی اصغر شریف (متوفی ۱۳۸۴ق)؛
- ۳- حضرت آیت‌الله میرزا علی شیرازی (۱۳۷۴-۱۲۹۴ق)؛
- ۴- حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ ابوالقاسم زفره‌ای (متوفی ۱۳۵۲ق)؛
- ۵- حجت‌الاسلام حاج آقا حسین نظام‌الدین کجوثی (همایونی، ۱۳۸۳: ۶۰)؛
- ۶- آیت‌الله میر سیدعلی نجف‌آبادی (۱۳۶۲-۱۲۷۵ق)؛
- ۷- آیت‌الله شیخ محمدرضا اصفهانی (امین، ۱۳۸۶: ۱۱۱)؛
- ۸- آیت‌الله سیدمحمد نجف‌آبادی (ریاحی، ۱۳۷۶: ۷۵)؛
- ۹- آیت‌الله شیخ مرتضی مظاهری (مهدوی، ۱۳۸۴: ۱۰۸۶/۲).

شاگردان و دانش‌آموختگان وی عبارت‌اند از:

- ۱- حجه‌الاسلام سید شهاب‌الدین صفوی قمی از روحانیون فاضل در مکتب این بانو بود؛
- ۲- شاگردانی که به‌طور منظم از اول شرح امثله تا مدارج علمی بالا در حوزه‌های مختلف چون عرفان و فلسفه و غیره در محضر بانو بوده‌اند مانند علویه همایونی که این بانوی فاضله ۵۰ سال از عمر شریف خود را در برابر کرسی استادی ایشان زانو زد؛
- ۳- شاگردانی که برخی از کتاب‌ها را بدون ترتیب خاصی نزد ایشان تلمذ نموده‌اند و در درس ایشان حاضر بوده‌اند، مثل خانم غازی که بعد از فوت بانو به تبلیغ وسیعی در شهر اصفهان مشغول شد و کتاب‌های بانو را در جلسات متعدد برای بانوان شیفته علم و معنویت می‌خواند و درواقع یکی از کسانی است که همواره در ارائه تفکر صحیح و همه‌جانبه ایشان کوشش فراوانی داشته و سخنگوی ایشان بوده‌است.

۲. دیدگاه‌های عرفانی بانو امین

بانو امین با تأسی از ابن عربی، مراتب سلوک (استعاذه) را در سوره ناس از مبادی سلوک تا مقام قلب این‌گونه بیان می‌کند: «انسان تا در بیت نفس مقیم است و به سفر روحانی و سلوک الی الله اشتغال پیدا نکرده در تحت سلطنت

شیطانیه است و زمانی که با تفضل و عنایت الهی به سیر و مراحل سیروسلوک متلبس گردید و سفر روحانی را شروع نمود تا در سیروسلوک است، آنچه مانع از این سفر و خار طریق است، شیطان اوست. در سوره ناس سالک از مبادی سلوک تا حدود مقام قلب به مقام ربوبیت پناه برد و چون سیر سالک منتهی شد به مقام قلب، مقام سلطنت الهیه در قلب ظهور می‌کند و در این مقام به مقام ملک‌الناس از شر تصرفات قلبیه ابلیس پناه برد و چون سالک از مقام قلب تجاوز نمود، به مقام روح که از نفخه الهیه است، در این مقام مبادی حیرت و هیجان و جذب و عشق و شوق شروع شود که در این مقام به اله‌الناس پناه می‌برد و چون از این مقام ترقی کند و به مقام سر رسد، اعوذ بک منک مناسب اوست» (بانو امین، مخزن العرفان: ۶۸/۳). از منظر بانو امین ارکان استعاذه عبارت‌اند از: مستعید، مستعاذ منه، مستعاذ به مستعاذ لأجله.

الف) مستعید: حقیقت انسانیه است از اول منزل سلوک الی الله تا منتهی النهایه فنای ذاتی است. انسان در دو مقام مستعید است: یکی حال سلوک الی الله که مالک استعاذه کند از خارهای طریق وصول که قعود بر صراط مستقیم انسانیت کردند، و دیگر وقتی سالک در حال صحو و رجوع از فای مطلق که استعاذ کند از احتجاجات سلوک به و غیر آن است در این مقام مسالک از شر تصرفات صدریه شیطان به خدانپناه می‌برد. ب) مستعاذ منه: استعاذه به وجه الله و کلمات الله استغراق در بحر جمال و جلال است و آنچه انسان را از آن باز دارد، از شرور است و مربوط به عالم شیطان و مکرهای آن است و از آن باید پناه به وجه الله برد. ج) مستعاذ به: حقیقت استعاذه در سالک الی الله متحقق در سیروسلوک به سوی حق متحصل استعاذه اختصاص دارد به سالک در مراتب سلوک پس به حسب مقامات و منازل سالکان حقیقت استعاذه و مستعید و مستعاذ منه و مستعاذ به فرق می‌کند.

د) مستعاذ له: غایت استعاذه برای سالک، حصول آن کمالات مترتب و سعادت مطلوبه است و غایه‌الغایات و منتهی‌الطلبات حق تعالی است و استعاذه از شیطان بالتبع واقع می‌شود. سالک تا در بیت نفس و حجاب طبیعت است، غایت سیرش حصول کمالات نفسانیه و سعادات طبیعیه است و این در مبادی سلوک است، گذر از ذهن و طبع و چون از بین نفس خارج شد و از مقامات روحانیه و کمالات تجرّدیّه ذوقی نمود، مقصدش عالی‌تر می‌شود و مقامات نفسانیّه پشت‌پا زند و مقصودش، حصول کمالات قلبیه و سعادات باطنیه شود و چون از این مقام نیز بالاتر رفت و به سرمنزله سر روحی رسید، مبادی تجلیات الهیه در باطن او بروز کند و لسان باطنش در اول امر و جهت وجهی لوجه‌الله و پس از آن جهت لاسماء‌الله أو الله و پس از آن جهت وجهی له شود و چون سالک در هر مقامی شیطانی قرین و دامی از دام‌های او مانع حصول است، ناچار سالک به حق تعالی پناه می‌برد (همان). پس می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که مراتب سلوک را بانو امین، اول، گذر از ذهن و طبع، دوم حصول کمالات قلبی و عادات باطنیه و سوم حصول ساحت روح می‌دانند. بانو امین در جایی دیگر، مراتب سلوک را این‌گونه نیز بیان می‌کند: «اول معاهده و سپس مراقبه، در پایان محاسبه و اگر خلافی کرده بودید، با خود معاقبه داشته باشد» (بانو امین، روش خوشبختی: ۱۰۸).

۱-۲. اسفار اربعه

در ادبیات عرفانی اسفار اربعه با نام ملاصدرا گره‌خورده است. سفرهای چهارگانه‌ای که مراحل عملی برای رسیدن به خداوند متعال را تبیین می‌کند. این سفرها شامل: سفر من الخلق إلى الحق، سفر بالحق فی الحق، سفر من الحق إلى الخلق

بالحقّ، سفر فی الخلق بالحقّ (ملاصدرا، 1380: 16). اسفار اربعه ملاصدرا همواره یکی از دست‌مایه‌های بانو امین در بیان طریقت وصال الهی بوده است. بانو امین اسفار اربعه را این‌گونه بیان می‌کنند:

بانو امین، سفر اول را، سفر کردن از خلق به سوی حق می‌دانند؛ یعنی روی گردانیدن از کثرات موجودات به سوی حقیقت و عالم وحدت. این سفر را منازل بسیار است و هشت مرحله که اول آن بیداری از خواب غفلت است و اعراض از خلق و عالم کثرات و اقبال به حق و طلب نمودن طریق به سوی اوست و آخر آن توحید است؛ یعنی مشاهده وحدت در کثرات موجودات و ادراک حضور نزد او و شناختن او را به عالم حضوری و مشاهده قلبی و ارتباط سری با او است. وقتی که سالک الی الله به مقام توحید رسید؛ یعنی به چشم قلب مشاهده کرد که موجود حقیقی فقط یکی است و هرچه هست ظل و اثر او و قائم به اوست. بانو امین این سفر را دارای چند مرحله می‌داند: مرحله اول؛ این طریق طلب است و طلب دو شعبه دارد: یکی دانستن به دلیل و دیگری شناختن به وجدان است. کردگار عالم از خلقت انسان مقصد بزرگی در نظر گرفته و در انسان یک قوه الهی و یک روح مجرد نورانی به ودیعه گذاشته است و سعادت‌مند کسی است که آن روح الهی و آن خلیفه ربانی را در مملکت بدن ظاهر نماید (بانو امین، 1361 مخزن العرفان: ۱۸۰/۱۵).

ایشان معتقدند: «بایستی خدا را به صفات جلالیه و جمالیه و به عبارت دیگر (ثبوتیه و سلبیه) بشناسیم و با فکر و اراده خود و با فطرت اصلی که در ذات ما پنهان است متوجه شویم که ما را مبدئی است که متصف به جمیع صفات کمالیه و یگانه مقصد ما او است» (بانو امین، 1369: ۳۷). مرحله دوم تهذیب اخلاق است. مرحله سوم پدیدارشدن احوال است. مرحله چهارم شوق و اضطراب است. مرحله پنجم عشق و محبت است. مرحله ششم سکر و حیرت است. مرحله هفتم فناء و بقاء است. بعد از آنکه شخص سالک را ذوقی حاصل گردید، شوق و اضطراب در وی پدید می‌گردد تا آنکه این شوق به حد محبت و عشق می‌رسد و وقتی آن عشق و محبت به حد کمال رسید، حالت سکر و حیرت او را دست می‌دهد تا آنکه برسد به جایی که خود و دیگران در نظر وی باشند و فقط یک حقیقت وحدانی بیند که به تمام ذرات عالم احاطه دارد. مرحله هشتم توحید است که انسان بعد از آنکه به خود آمد و از خواب غفلت بیدار گردید، اول قدم او این است که در مقام طلب برمی‌آید تا آنکه به علم‌الیقین بداند که وی را خالق و صانع هست و به دلیل عقل و نقل صفات کمالیه او را ثابت می‌گرداند (بانو امین، 1361 مخزن العرفان: ۱۸۰/۱۵).

تا اینجا سفر اول به پایان می‌رسد و آغاز سفر دوم شروع می‌گردد. بانو امین سفر دوم را سفر از حق، به سوی حق بیان می‌کنند. آن سیر در اوصاف و اسماء حق است سالک در طلب ادراک و شناسایی صفات جلال و جمال برمی‌آید، آن وقت سیر او سیر حقانی است نه نفسانی، تا آنکه عارف کم‌کم می‌رسد به جایی که مثل قطره بارانی که به دریا بچکد، خود را غرق در بحر مواج عظمت و جلال احدیت خواهد دید و پرده منیت و خودی‌ات برداشته می‌شود و حقیقت مطلق جلوه‌گر می‌شود و هریک از موجودات را مظهر ذات خدا می‌بیند و خود و هرچه هست، قائم با او و در سعه رحمت الهی مشاهده می‌نماید (همان). ایشان معتقدند: «سالک صفات حقانی مثل علم و قدرت و وحدت و اراده و مشیت و باقی صفات الهی را به چشم دل در مظاهر کون واضح می‌بیند تا وقتی که برسد به مقام عبودیت؛ یعنی بعد از آنکه عارف به مقام وحدت رسید و صفات حق را مشاهده نمود و در آن منزل امن و امان تمکن و استقامت یافت، سفر

دوم به انتها می‌رسد؛ به عبارت دیگر، وحدت را در کثرت و کثرت را در وحدت دید و احاطه و قیومیت و باقی صفات را معاینه نمود، آن وقت سیر اختیاری او به پایان می‌رسد» (بانو امین، 1369: 244).

البته بعد از آنکه عارف در کشش افتاد و دیگر هر چه برود، به آن جذبه مغناطیسی حق است که می‌رود؛ زیرا وقتی شخص کامل حائز مقام وحدت گردید و کثرت را در وحدت مشاهده نمود، آن وقت خود را در دریای عظمت وجود غیرمتمناهی حق غوطه‌ور خواهد دید و در آن هنگام هرچه سیر کند، در حق و به حق سیر نموده نه به نفس خود؛ یعنی حال بیخودی وی را دست می‌دهد (بانو امین، 1361 مخزن العرفان: 180/15). تا اینجا سفر دوم به پایان رسیده و آغاز سفر سوم شروع می‌گردد.

بانو امین، سفر سوم را سفر من الحق الی الخلق بالحق، و همان سفر از حق به حق می‌داند؛ یعنی پس از آنکه مسافر الی الله دایره سیر خود را به اتمام رسانید و در آن دو سفر اول و دوم درک حضور حق و عرفان صفات ربوبی او می‌گردد، آن وقت دایره تکمیل او توسعه پیدا می‌کند تا آنکه می‌رسد به جایی که بعضی از صفات الهی در آینه وجودش نمایان گردد و نماینده اوصاف و مظهر صفات خداوندی می‌گردد. علم سالک جلوه علم حق و قدرتش نشانه قدرت حق و اراده و مشیتش ناشی از اراده و مشیت حق است و عارف با خدا گوید و با او شنود و با او حرکت کند؛ بلکه وجود و تمام صفات خود را مستند به او نماید و آنی از او غافل نگردد و آثار الهی در وجودش نمایان گردد. در سفر سوم حالت تدلی و جمع و استغراق و دوام مشاهده برای سالک پیش می‌آید (بانو امین، 1361 مخزن العرفان: 181/15) تا اینجا سفر سوم به پایان رسیده و آغاز سفر چهارم شروع می‌گردد.

بانو امین، سفر چهارم را سفر از حق به حق الی الخلق بیان می‌کنند. این سفر عکس سفر اول است که از خلق به سوی حق بود؛ سالک در این سفر چهارم به منصب خلیفه الهی مفتخر می‌گردد و به مقام پیشوایی خلق و نمایندگی حق تعالی نائل می‌شود. سالک پس از آنکه مظهر و نماینده صفات الهی گردید، آن وقت مأمور می‌گردد برای هدایت خلق. پیمودن این اسفار، اول شرط منصب نبوت است که بدون آن کسی شأنت نبوت پیدا نمی‌کند. این است که مراتب پیامبران متفاوت است و همه در یک وجه و مقام نیستند. اول مرتبه نبوت و دوم رسالت و سوم اولوالعزمی و آخرین مرتبه کمال خاتمیت است (بانو امین، 1361 مخزن العرفان: 181/15). می‌توان این گونه نتیجه گرفت: برای طی کردن مسیر سلوک و منازل وصال به حق تعالی، عارفان منازل و مقاماتی را بیان کرده‌اند و سالکان می‌توانند این منازل را بیمایند و به نهایت سیر برسند و سالک در سلسله توالی، منازل را طی می‌کند تا به مرتبه فنا که تقریباً آخرین مرحله ترقی در مقامات سالک در سیر الی الله است، برسد. البته شمار منازل و مقامات سلوک در سیر الی الله را عارفان متفاوت بیان کرده‌اند و هر کدام نظرانی دارند که البته در نهایت همه به توحید و رسیدن به قرب الهی و فنا فی الله منتهی می‌شود.

۲-۲. انتخاب سالک طریقت

فیض کاشانی در کتاب «المحجۃ البیضاء» و در رساله «زادالسالك» منزل نخست سلوک را یقظه و بیداری و منزل آخر را توحید برشمرده است و با الهام از قرآن، انسان را مسافر سخت‌کوشی دانسته که در سیر باطنی خود با تلاش و کوشش به سوی حق تعالی حرکت می‌کند. وی برای این سفر معنوی آغاز، انجام، مسافت، مسیر، زاد و توشه، رفیق و راهنما ترسیم

کرده است. سالک باید در عمل بصیرت داشته باشد؛ چون فرد بی بصیرت مانند کسی است که راه را نمی داند، پس به مقصد نمی رسد. راحله این سفر، تحصیل معاش، صحت بدن و قوت قوی به اندازه ضرورت است؛ چراکه بیش از آن مقدار، مانع سلوک راه است. همچنین شخص باید بدن و قوای آن را در اختیار داشته باشد و آن‌ها را به آداب و سنن شرعیه مقید سازد تا راه حق طی شود. رفیقان این راه، علما، صلحا، عباد و سالکانند که مددکار و غمخوار یکدیگرند. راهنمای این سفر، پیامبر و امامان معصومانند که خود راه نموده‌اند، سنن و آداب وضع کرده و از مصالح و مفاد آن خبر داده‌اند و خود به این راه رفته و امت را به پیروی از خود فراخوانده‌اند. بانو امین نیز با تأثیرپذیری از این تفکر برای شخص سالک شرایط و ضوابطی را لازم می داند که بایستی بدان عمل نماید. بنا بر نظر بانو امین که هر عاقلی می داند که هر کس از روی برهان عقلی و نقلی و وجدان سری راه مستقیم به سوی حق تعالی را پیدا نموده و در ایام حیاتش همیشه به همان طریق حرکت نموده و به سوی مبدأ خود شتابان است. چنین کسی به مقصود اصلی خود پی برده و به طریق هدایت راه یافته و به سعادت نائل گردیده و اما آن کس که چشم خود را بسته نگاه داشته و در امر خلقت هیچ نظر دقیق ندارد و تابع انبیا و سفرای الهی نیز نگردیده که آن‌ها وی را به طریق راست هدایت نمایند، کورکورانه حرکت می کند. چنین کسی هیچ وقت به مقصود اصلی نائل نخواهد شد و راه را از چاه تمیز نخواهد داد (امین، ۱۳۶۱: ۲۵/۱۴). ایشان معتقدند: «انسان قدم پشت قدم اولیاءالله و واصلین به حق و پیشوایان بشر گذاشته تا به قرب الهی فائز گردد و مسلمانان باید روش اولیا و ائمه دین را سرمشق خود قرار دهند» (امین ۱۳۶۹: ۳۴).

باتوجه به بیانات بانو امین، اولیا و ائمه دین، بهترین و موثق ترین راهنما برای بشریت هستند و انسان‌ها باید روش زندگی و دستورالعمل‌های آن‌ها را برای خود الگو قرار دهند تا بتوانند به سرمنزل مقصود که همان توحید و قرب الی الله است، برسند. به نظر می رسد که شیعیان بایستی ائمه را سرمشق خود قرار دهند تا به سعادت برسند؛ بنابراین وظایف استاد راه، همان تشخیص ظرفیت، تشخیص روحیه شاگرد، تشخیص آثار ذکر روی شاگرد و تشخیص افراد مجذوب از غیر مجذوب، تماماً به عهده عارف و اصل و استاد راه رفته است.

۳-۲. معرفت نفس

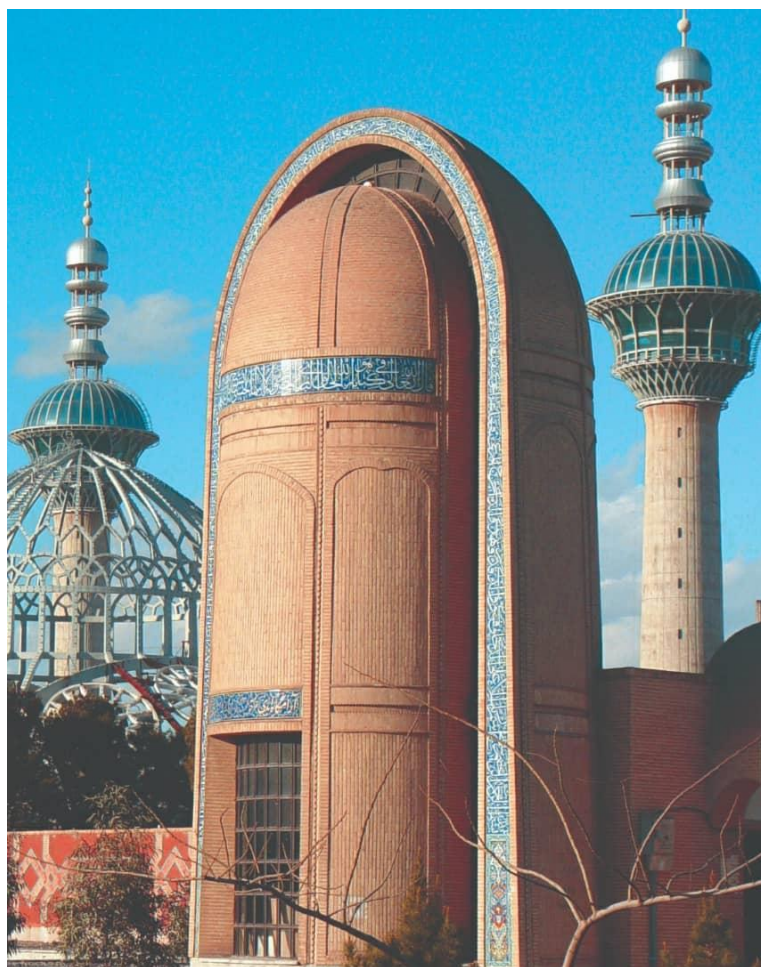
در کتاب «منازل السائرین» خواجه عبدالله انصاری درباره مفهوم معرفت و انواع و سطوح آن به تحلیل می پردازد: «ضرورت معرفت در سیروسلوک عرفانی یکی از مسائل مهم این کتاب است؛ گویا معرفت نفس پلی برای دستیابی به مرحله فنا و بقا و در نهایت توحید است» (انصاری هروی، ۱۳۸۷: ۲۵۷). بانو امین در کتاب «سیروسلوک در روش اولیا و طریق سعدهاء» مبحثی با عنوان معرفت نفس آورده است که کاملاً اندیشه‌های خواجه عبدالله انصاری را بازگو می کند. بانو امین در تعریف معرفت نفس و مراحل آن، همان فکر خواجه را بسط و گسترش می دهد و معتقد است: «یگانه چیزی که انسان را رهبری می کند و به سرچشمه آب زلال معرفت می رساند، همان نفس آدمی است و مقصود نفسی است که شناختن آن عین شناختن حق تعالی است، همان روح انسانی است که از عالم امر صادر گشته نه نفس حیوانی» (بانو امین، ۱۳۶۹: سیروسلوک در روش اولیا و طریق سعدهاء: ۶).

بانو امین اعتقاد دارد راهی که انسان را به سعادت دائمی و حیات همیشگی می رساند، این است که ایمان آوریم که انسان را روحی و عقلی مجرد از ماده است و انسان باید با اراده‌ای متین با نفس حیوانی بجنگد و روح الهی را از پس پرده بیرون

آورد و به وسیله شناسایی روح مجرد و بعد از بیدار شدن از خواب غفلت قدم در طریق سیروسلوک به سوی حق تعالی بگذارد تا به هدایت الهی نائل شود (همان: ۲۸-۲۹). بانو امین معتقد است: «پس از تخلیه نفس از عادات و ملکات نکوهیده قدری مجاهده می‌خواهد تا آنکه به طور تحقیق نه تقلید از آباء و اجداد، طریق و روش خود را به خط مستقیم که سرانجام آن قرب به جوار حق تعالی است، پیدا نموده و در آن سلوک نماید» (بانو امین، 1361: ۲۵۲/۱۲)؛ به عبارت دیگر، سالک پس از تزکیه نفس تعلقات طبیعی را از خود زائل گردانید، قلب خود را در همه اوقات از آنچه او را مشغول می‌گرداند، تنقیه و پاک گرداند و پس از آن دل را از اوصاف ذمیمه تخلیه نموده و سپس از کونین قطع التفات کند (همان: ۶۹/۱۰) ایشان سعادت انسانی را در پرتو تخلیه و خالی شدن نفس از محبت دنیا و پیروی خواهش‌های نفسانی و تخلیه به فضائل اخلاقی بیان می‌کنند و معتقدند تا وقتی که قلب انسانی و آن لطیفه ربانی از رذائل نفسانی و کثافات اخلاقی تصفیه نگردد، دارای ملکه تقوی نمی‌گردد و کسی که از این اکسیر خدایی؛ یعنی ایمان کامل و تقوا برخوردار نگردد، هرگز ذکر خدا به ذائقه جانش نخواهد رسید (همان: ۳۲۷/۱۳).

۳. اشاعه هنر اسلامی و عرفانی در معماری بقعه مبارکه بانو امین و بازتاب آن در پوستره‌های گرافیکی

بقعه بانو مجتهده حاجیه نصرت امین که متعلق به اواخر عصر قاجار است و در سال ۱۴۰۳ هجری قمری، در اصل به نام حاج سید محمدعلی امین‌التجار (از تجار معتبر اواخر عصر قاجار و ابتدای مشروطه) بنا گردید. نکته درخور توجه درباره موقعیت تاریخی این تکیه که وسعت زیادی نداشته و می‌توان آن را جزء تکایای خصوصی قبرستان تخت‌فولاد به شمار آورد؛ آن است که تا چند دهه پیش، تکیه مشخص و جداگانه‌ای محسوب نشده و قسمتی از تکیه خادم‌الشریعه بود؛ چنان‌که وقتی محمدعلی امین‌التجار (بانی تکیه) درگذشت، در قسمت شرق این تکیه دفن شد و اتاق و ایوانی بر روی قبرش ساختند. از ویژگی‌های این تکیه، وجود سنگ قبرهای مرمر با زیباترین و ظریف‌ترین تزیینات و خطوط بوده که برخی از آن‌ها حاوی زیباترین تزیینات در حواشی بدنه و متعلق به خاندان امین‌التجار است و در ضلع شمالی این تکیه قرار دارد و چشمگیرترین عنصر معماری آن، بقعه رفیع بانو امین است که در ضلع جنوبی آن قرار دارد. در بنای بقعه، معماری مدرن مبتنی بر اندیشه اسلامی به‌کاررفته است؛ به این صورت که برای نشان‌دادن حجاب یک بانوی مسلمان، بقعه به شکل بانویی که حجاب اسلامی بر سر دارد؛ ساخته شده و عبارت از اتاقی با سر در مقرنس و دو ستون در ابتدای ورودی اتاق با کاشی‌های لاجوردی مزین با آیات قرآنی و گنبد استوانه‌ای است که نمونه‌ای منحصر به فرد در معماری جدید بقاع تخت فولاد به شمار می‌آید.



تصویر ۱: نمایی از بقعه بانو امین، اصفهان، دوره معاصر. منبع: (نگارنده)

۳-۱. کیمیای نور در بقعه مبارکه بانو امین

معماری اسلامی، معماری روشن است و این مسئله ریشه در اصل ثابتی دارد که در هستی جاری است و آن نور است. نور هم وسیله دیدن است و هم سبب دیدن و هم خود دیدن است و حیات همه چیز هم از نور است؛ بنابراین می‌توان گفت راز باطنی هنر ایرانی به‌کاررفته در این مقبره، رسیدن به کیمیای نور است؛ همچنان که هدف کیمیای حقیقی تبدیل ماده سنگین به روح است. البته این تبدیل در انسان نیز باید اتفاق افتد. در حدیث آمده است که خداوند پشت هفتاد هزار پرده نور و تاریکی پنهان است و انسان باید این پرده‌ها را یکی پس از دیگری کنار زند؛ ابتدا پرده‌های تاریک و سپس پرده‌های روشن را. «این سفر روحانی از مارپیچ دنیای کثرت اشیا و رنگ می‌گذرد و به وحدت غایی می‌رسد که آخرین مرحله آن با نور سیاه درخشانی اعلام می‌شود که با نابودی یا مرگ (فنا) همه تصویرها، همه رنگ‌ها، همه جواس و مهم‌تر از آن با نابودی نفس فر شناخته می‌شود. عارف، سراپا در نور الهی جذب می‌شود. قطره نوری که در دنیای سایه‌ها پنهان شده بود، سرانجام به دریای بی‌کرانه نور می‌پیوندد و با آن یکی می‌شود» (اردلان؛ ۱۳۸۵: ۱۷۷).



تصویر ۲: چشم‌اندازی از انعکاس نور مقبره بانو امین، اصفهان، دوره معاصر.

نور، عنصر برجسته معماری ایرانی و اسلامی در بقعه مبارکه بانو امین است و نه تنها به‌عنوان یک عنصر فیزیکی بلکه به‌عنوان یک سمبل عقل الهی و سمبل وجود است. نور یک عنصر روحانی است که در سختی ماده نفوذ کرده و آن را تبدیل به یک صورت شریف می‌کند و آن را شایسته می‌سازد که محل استقرار روانی انسانی باشد که جوهر او نیز ریشه در عالم نور دارد، عالمی که جز عالم روح نیست.

۲-۳. رابطه رنگ و نور

رنگ با نور در جهان محسوس همواره قرین یکدیگر بوده‌اند؛ زیرا رنگ تکثریافته نور واحد است و از تجزیه نور در عالم ماده و مرکب، طیف‌های رنگی پدید می‌آید. پس می‌توان رنگ را تمثیلی نمادین از تجلی کثرت در وحدت دانست. بر این اساس می‌توان رنگ و نور را یکی دانست؛ زیرا از یک سو رنگ همان نور است (وحدت) و از سوی دیگر این نور تجزیه می‌شود و تجلیات مختلف و رنگارنگی پیدا می‌کند (کثرت). پس می‌توان این‌چنین نتیجه گرفت که ذات حضرت باری تعالی که مجرد و نور محض است و نماد وحدت کامل نیز هست، توسط رنگ تجسم‌یافته و در رنگارنگی عالم مرکبات متجلی گشته است.

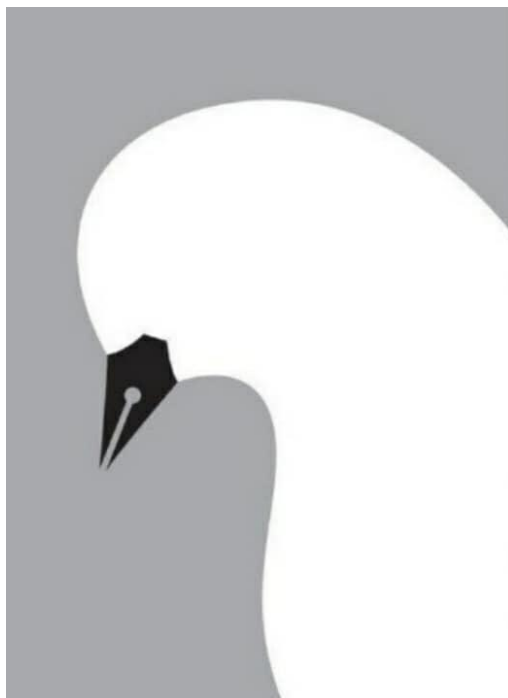
۱-۲-۳. رنگ سفید

رنگ سفید در سر در بقعه، نشان از قداست و پاکی و آرامش است. همچنین سفید، نشانه خلوص نیت، پاکی رفتار و روح، و نشانه بی‌عیبی الهی است. سفید در معماری اسلامی، شکل واحد و توحیدی به خود می‌گیرد و در جهت بیان حالات قدسی و عبادتگری و نیایشگری به کار می‌رود. سفید پرمعناترین رنگ در عالم روحانی است و نیز پر مهابت و ترساننده هم است. رنگ سفید، فضایی پرمعنا و گویا می‌سازد که در مرکز بی‌کراستگی و قداست قرار دارد.



تصویر ۳: کاربرد رنگ سفید و آبی در معماری بقعه بانو امین، اصفهان، دوره معاصر.

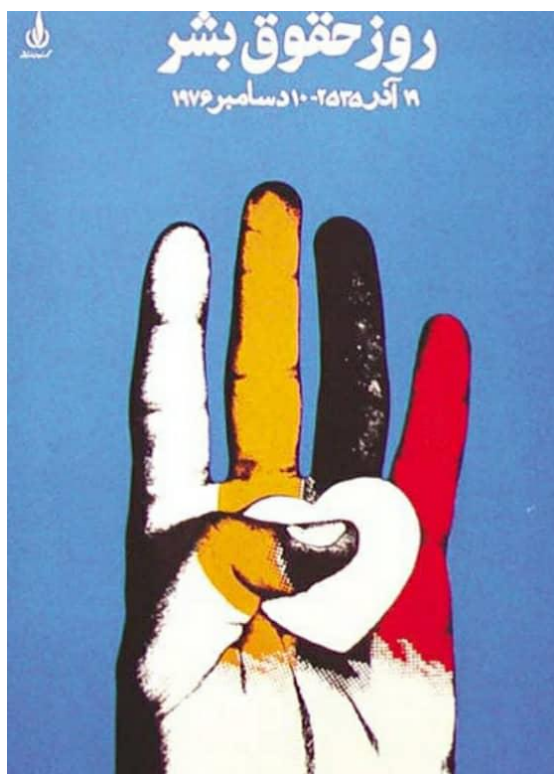
در بقعه مبارکه بانو امین، فضای زیادی از کاشی‌ها به رنگ سفید اختصاص یافته است. این رنگ در جوار سایر رنگ‌ها، جلوه‌ای دیگر به رنگ‌ها بخشیده است. رنگ سفید در پوستره‌های گرافیکی معاصر نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. این رنگ مانند حضورش در هنر معماری اسلامی نمادی از پاکی، نور، آرامش و آزادی است.



تصویر ۴: کاربرد رنگ سفید در پوستر بیان آزادی، از تورج صابری وند، دوره معاصر.

۲-۲-۳. رنگ آبی

آبی معنای ایمان را می‌دهد و به فضای لایتناهی مربوط می‌شود و به آسمان اشاره می‌کند. آبی از نظر سمبولیک شبیه به آب آرام، خلق و خوی آرام، طبیعت زنانه و روشنی و درخشش یک کتاب خطی است. ادراک حسی آن طعمی شیرین دارد. محتوای عاطفی آن ملایمت است. مناسب‌ترین محیط برای ایجاد تفکر، مظهر ابدیت بی‌انتهای سنت و ارزش‌های پایدار، محیطی است که رنگ آبی می‌آفریند. پس چگونه می‌تواند جایش در بقعه مبارکه بانو امین خالی باشد؟ تمرکز پشم به رنگ آبی، به‌گونه‌ای است که همواره دورتر از محل واقعی خویش به نظر می‌رسد و به‌این‌علت وقتی بر بقعه مبارکه بانو امین می‌نشیند، آدمی را با خود تا آسمان می‌کشاند. کاشی‌های این بقعه مبارکه، به‌وفور این رنگ را در خود جای داده‌اند، و به این واسطه جلوه زیادی به بقعه مبارکه بخشیده‌اند.



تصویر ۵: کاربرد رنگ آبی در پوستر ممیز ۱۳۵۵، دوره معاصر.

نتیجه‌گیری

اندیشه‌های عرفانی بانو امین، بر محورهای: اسفار اربعه، مسئله استعاذه در سلوک الی الله، انتخاب سالک طریقت، معرفت نفس و مراتب آن استوار گشته است و این مؤلفه‌ها، هر یک تحت‌تأثیر تفکرات یک عارف نامی و شهیر است گویا آن آموزه‌های پیشین تأثیر به‌سزایی در شکل‌گیری اندیشه‌های این بانوی عارف داشته است، پس از بررسی‌های صورت پذیرفته بدین نتیجه می‌رسیم که بانو امین در بحث اسفار اربعه که نام آن با اسم ملاصدرا پیوند خورده است، بانو امین همانند ملاصدرا سفرهای خود را به چهار نوع (سفر از مردم تا خدا، سفر باخدا درباره خدا، سفر از خدا تا مردم باخدا، سفر در میان مردم باخدا) تقسیم‌بندی کرده است. در موضوع سیروسلوک الی الله و مسئله استعاذه بانو

امین تحت تأثیر دیدگاه ابن عربی در مسئله استعاذه است و تقسیم مراحل آن (مستعید، مستعاذ منه، مستعاذ به، مستعاذ له) همگی نشان از تأثیر ابن عربی در کتاب «فتوحات مکیه» است که دقیقاً این تقسیم‌بندی را برای مراتب سیروسلوک داشته است. سالک با سیروسفر آفاقی که همان سفر در جهان خارج است و سیر انفسی که سفر از درون و دل سالک است، طی طریق می‌کند، و مقامات و اسفار اربعه را پشت سر می‌گذارد تا به‌غایت شهود عرفانی و شناخت قلبی حق تعالی برسد، سالک برای شناخت خود و معرفت نفس مراتب نفس را طی می‌کند تا به فنا برسد و هدف از مراحل سلوک چیزی جز این نیست که کمالات بالقوه انسان به فعلیت برسد و انسان با به فعلیت بخشیدن به امکانات وجودی خود به تدریج حق تعالی را در دل خود می‌گنجاند و از هر تعینی می‌گذرد، ترقی می‌کند و به مقامات بالاتر صعود می‌کند. همچنین در مبحث انتخاب سالک طریقت الی الله، بانو امین برای گزینش سالک و راهبر انسان، شرایطی را در پیش گرفته است که به صورت غیرمستقیم الهام گرفته شده از اندیشه‌های فیض کاشانی است که او نیز برای سالک طریقت شرایطی را متصورات که اولیا الهی بهترین الگو در این زمینه هستند که سالک می‌بایست ضمن ممانعت از گناه و دیگر نواهی باید با راهنمایی ائمه و اولیاءالله این مسیر را بپیماید. همچنین لزوم سلوک برای سالک الی الله از واجبات راه است که با آن‌ها بتواند در مسیر سیر الی الله پیش برود از جمله: معرفت نفس و انتخاب پیر و راهنماست. مکتب عرفانی بانو امین تحت تأثیر ابن عربی و خواجه عبدالله انصاری معرفت را راهی برای معرفت رب دانسته است و همیشه توصیه می‌کرد که برای معرفت نفس باید در این مسیر پُر خطر از راهبری و استادی راه‌بلد استفاده کنند. همچنین در معماری اسلامی و عرفانی بقعه مبارکه بانو امین، رابطه رنگ و نور - به‌خصوص رنگ‌های سفید و آبی - جلوه‌نمایی خاصی به این بقعه بخشیده و آدمی را به فضای عرفانی و معنویت سوق می‌دهد.

منابع

کتاب‌ها:

- اردلان، نادر. (۱۳۸۵). اصفهان در مطالعات ایرانی. تهران: فرهنگستان هنر.
- اسلامیت، مرضیه. (۱۳۸۹). بانو امین و تفسیر مخزن‌العرفان. تهران: خانه کتاب.
- انصاری، خواجه عبدالله. (۱۳۷۸). تفسیر ادبی و عرفانی قرآن مجید. جلد ۱ و ۲، تهران: چاپ و انتشارات اقبال.
- ایازی، سید محمدعلی. (۱۳۷۸). شناخت‌نامه تفاسیر، نگاهی اجمالی به ۱۳۰ تفسیر برجسته از مفسران شیعه و اهل سنت. قم: کتاب مبین.
- بانو امین، سیده نصرت بیگم. (۱۳۷۸). سیر و سلوک در روش اولیاء و طریق سیر سعاده. تحقیق و اضافات محمدرضا نیل‌فروشان، چاپ دوم، اصفهان: انتشارات گنبدهای فیروزه‌ای.
- بانو امین، سیده نصرت بیگم. (۱۳۹۹). الاربعین‌الهاشمیه من شرح جمله من الاحادیث‌الوارده فی العلوم‌الدینیة. مهدی العلوی، دمشق: دارالفکر، ۱۳۹۹ ه.ق. / ۱۳۵۷ ش.
- بانو امین، سیده نصرت بیگم. (۱۳۸۶). روش خوش‌بختی، توصیه به خواهران ایمانی: تحقیق و اضافات محمدرضا نیل‌فروشان، اصفهان: کانون تبلیغات رشاد.
- بانو امین، سیده نصرت بیگم. (۱۳۷۱). جامع‌الاشتات. گردآوری: مرتضی مظاهری نجفی، اصفهان، انتشارات انجمن حمایت از خانواده‌های بی‌سرپرست اصفهان.
- بانو امین، سیده نصرت بیگم. (۱۳۷۱). مخزن‌العرفان در تفسیر قرآن مجید. ج ۱-۱۵، اصفهان: به انتشارات انجمن حمایت از خانواده‌های بی‌سرپرست اصفهان.
- بانو امین، سیده نصرت بیگم. (۱۳۷۱). مخزن‌اللثالی در فضیلت مولی‌الموالی. اصفهان: انتشارات انجمن حمایت از خانواده‌های بی‌سرپرست اصفهان.
- بانو امین، سیده نصرت بیگم. (۱۳۸۵). اخلاق و راه سعادت. اقتباس و ترجمه از طهاره‌الاعراق ابن مسکویه، چاپ دوم، اصفهان: انتشارات گلبهار.
- بانو امین، سیده نصرت بیگم. (۱۳۷۸). معاد یا آخرین سیر بشر. تحقیق و اضافات: محمدرضا نیل‌فروشان، چاپ دوم، اصفهان: انتشارات گنبدهای فیروزه‌ای.
- بانو امین، سیده نصرت بیگم. (۱۳۸۹). النفحات‌الرحمانیه فی‌الواردات‌القلبیه. چاپ سوم، اصفهان: انتشارات گلبهار.
- عمو خلیلی، مرجان. (۱۳۷۹). کوکب دری، شرح احوال بانوی مجتهده امین. تهران: کانون انتشارات پیام عدالت.

فیض کاشانی، ملامحسن. (۱۳۹۵). بانو امین. تهران: انتشارات فرهنگ صبا. مجموعه مقالات و سخنرانی‌های اولین و دومین کنگره بزرگداشت بانوی مجتهده سیده نصرت امین. (۱۳۷۴). به کوشش مینا خواجه‌نوری، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

نرم‌افزار بانوی ایرانی، مؤسسه پژوهش‌های دینی امام امیرالمؤمنین (ع) اصفهان.
همایونی، زینب‌السادات. (۱۳۸۸). زندگی بانوی ایرانی. چاپ سوم، اصفهان: انتشارات گلبهار.

مقالات

کلیفورد، ویلیام کی. (۱۳۸۷). «اخلاق باور مترجم صالحی». در مجله حکمت و معرفت س ۳، ش ۸ (۳۲)، صص. ۶۶-۶۸.